

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
 تاریخ: ۲۵ آذر ۱۳۹۷
 موضوع جزئی: آیه ۲۷ - شمول عهد الهی نسبت به ولایت - تشکیکی بودن نقض عهد
 مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۰
 جلسه: ۲۰

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در مورد معنای عهد الهی ۵ احتمال در بخش اول آیه ۲۷ ذکر کردیم و معلوم شد صحیح ترین احتمالات این معناست که عهد الهی همان حجت های باطنی و ظاهری خداوند می باشد که عبارت اند از عقل و فطرت بعنوان راهنماهای درونی و نیز توحید، ارسال رسل و انزال کتب که مجموع این ها عهد خداوند با انسان شمرده می شوند.

شمول عهد الهی نسبت به ولایت

تعبیر عهد در بعضی از آیات بر ولایت و امامت هم اطلاق شده است. یعنی ما می توانیم مسئله ولایت و امامت را هم یکی از عهدهای خداوند بدانیم. در آیه « وَإِذِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » وقتی که ابراهیم (علیه السلام) با انواع آزمایشات مورد امتحان قرار گرفت و او از این امتحانات سر بلند بیرون آمد، خداوند به او فرمود: من تو را بعنوان امام برای مردم قرار می دهم. بعد ابراهیم از خداوند سؤال کرد که آیا از ذریه من هم برای مردم امام خواهد بود؟ خداوند فرمود عهد من به ظالمین نمی رسد. یعنی کأن ذریه ابراهیم دو دسته اند، یک دسته ظالم اند و دسته دیگر عادل اند ولی این عهد به ظالمین قطعاً نمی رسد، به عادلین هم اینطور نیست که همگی عدول ذریه ابراهیم به مقام ولایت و امامت برسند بلکه یک بخشی از آنها که خداوند اراده کند که آنها را امام قرار دهد، این ها امام و ولی خواهند شد. شاهد ما جمله « قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ » است؛ خداوند تبارک و تعالی اینجا اطلاق کرده عهد خودش را بر ولایت و امامت. یعنی این عهد من که عبارت از امامت تو و ولایت تو است، به ظالمین نمی رسد.

طبق این بیان یکی از مصادیق عهد الهی امامت است ولی مسئله این است که این عهد در طول سایر عهدهای خداوند است یعنی عهد بین انسان و خدا در توحید، عهد بین انسان و خدا در نبوت و خاتمیت پیامبر مکرم اسلام (ص)، عهد او در مورد عقل و فطرت، عهد او در مورد کتاب خدا، این ها در واقع همه عهدهای خداوند هستند اما در امتداد عهد بین انسان و خدا در خصوص پیامبر، که پیامبر هم ولایت دارد، آنها هم که اهل بیت پیامبر هستند و طبق آیه مودت آنها بر مسلمین فرض شده، آنها می شوند جزء عهد خداوند. پس خود نبوت یک عهد است ولی ما غیر از مقام نبوت، امامت

۱. سوره بقره آیه ۱۲۴.

هم داریم. طبق این آیه امامت و ولایت هم از عهدهای الهی است. این امامت در وجود مقدس خود نبی مکرم اسلام با نبوت جمع شده است. در خاندان رسالت هم این امامت قرار داده شده است و لذا هم ولایت و امامت خاندان پیغمبر و هم ولایت و امامت خود پیغمبر جزء عهدهای الهی هستند. اگر ما اثبات کردیم که عنوان عهد خداوند بر نعمت ولایت و امامت هم صادق است، پس ولایت اهل بیت هم جزء عهدهای خداوند است. امامت اهل بیت و ولایت اهل بیت هم از عهدهایی است که باید محکم حفظ شود و قابل نقض نیست لذا خداوند در آیه « قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ »^۱ امر کرده به مودت فی القربی بعنوان یک واجب و یک امر لازم. مودت و ولایت خاندان رسالت در واقع جزء مصادیق عهد الهی و در طول آن حجت‌ها و یا در کنار سایر حجت‌ها است. ما گفتیم عهدالله یعنی حجج الله، حجت‌های باطنی و حجت‌های ظاهری. پس اهل بیت عصمت و طهارت بعنوان حجت‌های الهی جزء عهد الله هستند و نقض آن به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. این یک تکمله‌ای بود که برای معنای عهد و شمول عهدالله نسبت به ولایت و امامت اهل بیت لازم بود که مطرح شود.

سوال:

استاد: ببینید بالاخره وقتی ما می‌گوییم عهدالله این مصادیق را دارد، این معنایی دارد که عام و فراگیر است و شامل همه حجت‌های الهی می‌شود، بنابراین نقض عهد خدا هم به همین عمومیت است.

سوال:

استاد: خیر نیاز به آن عام ندارد. ما عرض کردیم که اصلاً مسئله میثاق و محکم شدن آن پیمان به این است که خداوند این حجت‌ها را ارائه و اقامه کرده و در اختیار قرار داده و لازم نیست که در جایی بین دو گروه پیمانی امضاء شود؛ یعنی خداوند عقل داده، فطرت داده، دلیل و برهان بر توحید اقامه کرده، پیامبر خاتم، کتاب قرآن، اهل بیت، این‌ها حجت‌هایی هستند که خداوند در اختیار ما قرار داده پس منظور این نیست که عهد و میثاق در یک برگه امضاء شده باشد. قهراً با توجه به اینکه آیه ۱۲۴ سوره بقره اطلاق کرده عهد الهی را بر ولایت و امامت، می‌توانیم بر ولایت و امامت اهل بیت هم اطلاق عهد کنیم و این از مصادیق عهد الهی است و نقض عهد می‌تواند نقض هر یک از این‌ها باشد.

وجه تعبیر به عهد الله

فقط یک نکته‌ای را بنده عرض کنم که گاهی از مجموع این حجت‌ها تعبیر می‌شود به عهدالله و گاهی هم تعبیر می‌شود به عهد الهی؛ البته در قرآن عهدالله نداریم، ولی در کلمات معصومین علیهم السلام تعبیر به عهد الله مشاهده می‌شود. از جمله در یکی از خطبه‌های امیرالمؤمنین در نهج البلاغه اینچنین آمده « وَ قَدْ تَرَوْنَ عُهُودَ اللَّهِ مَنقُوضَةً ، فَلَا تَغْضَبُونَ ، وَ أَنْتُمْ لِنَقْضِ ذِمَّتِ آبَائِكُمْ تَأْنِفُونَ »^۲، شما می‌بینید که عهدهای خداوند پاره می‌شوند و هیچ خشمگین نمی‌شوید اما برای شما

۱. سوره شوری آیه ۲۳.

۲. نهج البلاغه خطبه ۱۰۶.

شکستن و گسستن تعهدات آباء و اجدادتان بسیار سخت و سنگین و غیر قابل تحمل است. یعنی در برابر شکسته شدن عهد نیاکانتان به شدت موضع گیری می کنید، اما به راحتی در مقابل نقض عهد خداوند سکوت می کنید.

اینجا حضرت علی تعبیر عهدالله را بکار برده اند. می خواستم عرض کنم که منافاتی بین این دو تعبیر نیست. گاهی ممکن است تعبیر شود به عهدالله، یعنی آن پیمان اصلی خداوند با انسان که در واقع پیمان خدا با انسان بر حجت الهی است و آنجایی که تعبیر جمع بکار برده می شود، در واقع مصادیق این حجت ها مد نظر است. اگر بخواهیم همه این ها را تحت حجت الهی قرار بدهیم، شامل عقل، فطرت، نبوت انبیاء، خاتمیت پیامبر، کتاب و ولایت می شود. اما اگر به هریک از این ها مستقلاً نگاه شود، این ها هر یک خودشان یک عهد می باشد؛ عقل، فطرت و غیره هم هر کدام یک عهد جداگانه هستند و این ها را خداوند در اختیار انسان قرار داده که با تمسک به این پیمان ها راه سعادت را پیدا کند و لذا منافاتی بین تعبیر عهدالله و عهدالله به نظر نمی رسد.

تشکیکی بودن نقض عهد

اما مسئله ای که به نظر می آید در اینجا لازم است به آن اشاره شود این است که نقض عهد چگونه است. ما درباره اهمیت عهد سخن گفتیم و معلوم شد مطلق عهد از دید قرآن و روایات بسیار مهم است. لزوم وفاء به عهد چیزی است که مکرر در قرآن بیان شده و اساساً خود خداوند بعنوان کسی که وفا کننده ترین موجودات به عهد خویش است، معرفی شده است و تردیدی در این نیست. اما در این میان عهدالله یک اهمیت مضاعفی پیدا می کند؛ لزوم حفظ این پیمان، بر کسی پوشیده نیست. آثار وفاء و نقض این عهد در آیات مختلف بیان شده و با همه اهمیتی که این عهد دارد در مقابل نسبت به نقض عهد هم هشدار داده اند.

نقض عهد به چه معناست و چگونه نقض عهد صورت می گیرد؟ آیا نقض عهد خداوند از جهت شرک یک نقض است در حالی که حجت بر توحید دارد؟ یا مثلاً به جای اینکه به نبوت پیامبر ایمان بیاورد، منکر خاتمیت و نبوت پیامبر می شود و یا به جای اینکه به وحی الهی ایمان بیاورد، به ما انزل الله باور پیدا نمی کند. این هم نقض است. نه تنها اعتقاد به خدا و رسول و ما انزل الله عهد شمرده می شود بلکه عمل به ما انزل الله و عمل به ما امر الله و ما امر به النبی هم از مصادیق وفاء به عهد است و لذا بخشی از نقض عهد مربوط می شود به عمل، به ما امر الله به، ترک عمل بما جاء به النبی، ترک عمل بما ورد فی القرآن، این ها همه می شود نقض عهد. معاهده به این معناست که خدا حجت هایی را اقامه کرده که این ها دیگر قابل کنار زدن نیستند و این حجت ها راه را به انسان نشان داده اند. حالا اگر کسی در باور و یا عمل بر طبق این حجت ها کوتاهی کند، این نقض عهد شمرده می شود.

به علاوه این عهدها به نوعی باهم ملازمه هم دارند؛ یعنی اگر کسی نبوت پیامبر را انکار کند، لازمه اش هم این است که عهد مربوط به توحید را هم نقض کند و یا اگر کسی به آنچه که در قرآن وارد شده پایبند نباشد، این به نوعی ملازم می شود با نقض عهد به پیامبر و خاتمیت او؛ پس نقض عهد با توجه به معنایی که برای عهد گفتیم، کاملاً روشن است.

نقض عهد یعنی گسستن، پاره کردن و جدا شدن از پیوندهایی که باید انسان با این نقاط داشته باشد، این می‌شود نقض عهد.

«الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ» یعنی این فاسقان، گرچه اینجا بیشتر نظر آیه به فاسقانی است که دارای فسق اعتقادی‌اند و آن‌ها را توصیف می‌کند ولی با این همه نقض عهد معنای فراگیری دارد و نقض عهد متناسب با معنای خود عهد می‌تواند تفسیر شود؛ ناقض عهد کسی است که در یکی از این حوزه‌ها این پیوندش را پاره کند.

بریدن پیوند با توحید در هر مرتبه‌ای، به همان اندازه نقض عهد محسوب می‌شود و لذا ممکن است کسی گرفتار شرک خفی باشد نه شرک جلی که رسماً و علناً برای خداوند شریک قائل باشد، این به همین میزان نقض عهد کرده؛ پس درجه و مرتبه نقض عهد متفاوت است چون گاهی کسی اصل وجود خدا را انکار می‌کند و گاهی کسی توحید را انکار می‌کند. بر این اساس انکار ولایت و امامت اهل بیت هم به نوعی می‌تواند نقض آن عهد شمرده شود.

به هر حال نقض در یک جمله عبارت است از گسستن، پاره کردن و بریدن پیوندهایی که بین انسان و هر یک از این حجت‌های الهی پدید آمده. کسی که این پیوند را پاره کند و کسی هم که این پیوندها را ضعیف کند، این هم ناقض عهد شمرده می‌شود منتهی در یک درجه و مرتبه‌ای پایین‌تر از نقض عهد کلی که رأساً همه پیوندها را از بین ببرد.

«والحمد لله رب العالمین»